



فقّه ۳

کرایش تفسیر و علوم قرآن

درس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی

درس ۲۶

کتاب ارث

استاد: حجت الاسلام والمسلمین ترابی

آموزشیار: آقای باقریان

مقدمه

سهم برخی از بازماندگان میت از ماترک وی مشخص شده است که به آن سهام، «فروض ارث» اطلاق می شود. مجموعاً شش فرض در قرآن به عنوان فروض ارث مشخص شده است که عبارتند از : «نصف»، «ربع»، «ثلث»، «دو ثلث»، «ثمن» و «سدس».

احکام فرض های یاد شده و اشخاصی که فرض بر هستند، در گذشته ارائه شد. همچنین دلیل برخی از احکام فروض، مورد بررسی قرار گرفت. در این درس و در ادامه بررسی دلیل این احکام دلیل اینکه برخی از ورثه یک هشتم، دو ثلث، ثلث و یک ششم ارث می برند بیان می شود.

متن عربی

٦- و اما ان الثمن لمن تقدم

فلقوله تعالى: فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثَّمَنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ.

و قد اتضح الوجه في تعميم الولد للنازل مما تقدم. كما اتضح الوجه في اشتراك الزوجات في الثمن بالسوية مع التعدد.

٧- و اما ان الثلثين لمن تقدم

فلقوله تعالى: يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ. و

المراد اثلثي فما فوق بضرورة الفقه. و لقوله تعالى: فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ.

و التقييد بعدم الابن باعتبار انه معه يكون الارث بالقرابة للذكر مثل حظ الأنثيين

و اما تقييد الابن بالمساوى فباعتبار ان غير المساوى - كابن الابن - لا اثر لوجوده.

و اما تقييد الاختين بكونهما للأبوين او للأب فقط و بعدم الاخ فقد اتضح وجهه من خلال ما تقدم في الرقم ٣.

٨- و اما ان الثلث لمن ذكر

فلقوله تعالى: فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبُوهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ ، وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ

أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ.

٩- و اما ان السدس لمن تقدم

فلقوله تعالى: وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ ... فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ ، وَ

إِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ.

فروض ارث و ادله آن

۶. ثمن بودن سهم زوجه میت در صورتی که میت دارای فرزند باشد

طبق آیهی شریفه «فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثَّمَنُ مِمَّا تَرَكْتُمْ»^۱ در صورتی که میت دارای فرزند باشد، زوجه وی یک هشتم از ترکه را به ارث خواهد برد.

اگر فرزند میت، فرزند زوجه ی میت نباشد، در حکم یاد شده تأثیری ندارد؛ لذا مم کن است هیچ یک از زوجات میت، مادر فرزند مزبور نباشند در حالی که فرزند یاد شده، حاجب نقصانی زوجات از سهم ربع ترکه است. از مطالبی که در درس گذشته ارائه شد^۲ روشن می شود که سهم زوجه در فرض مزبور که میت دارای فرزند است در صورت متعدد بودن نیز یک هشتم ترکه است که میان آنها به صورت مساوی تقسیم می شود؛ و همانگونه که در گذشته ذکر شد، دلیل تقسیم شدن سهم یاد شده میان آنها به صورت تساوی، بلا مرجح بودن ترجیح هر یک از آنان است.

با توجه به اطلاق «ولد» در آیه شریفه، مراد از «ولد»، اعم از «باواسطه» و «بی واسطه» است؛ به عبارت دیگر، با وجود نوادگان میت نیز سهم زوجه ی میت به یک هشتم تقلیل می یابد؛ بنابراین اگر بازماندگان میت عبارت باشند از یک نوه دختری و دو زوجه، سهم مجموع دو زوجه، یک هشتم از ترکه ی میت خواهد بود.

۷. ثلثین بودن سهم خواهران و دختران

در صورتی که بازماندگان میت، دو دختر یا بیشتر باشند و میت فاقد اولاد ذکور باشد، به دختران وی دو ثلث ترکه به عنوان فریضه ارث می رسد. همچنین اگر میت از طبقه ی اول وارثی نداشته باشد و بازماندگانی وی دو خواهر یا بیشتر باشند و میت فاقد برادر ابی یا ابوینی باشد، به خواهران میت دو ثلث از ترکه به عنوان فریضه به ارث می رسد.

دلیل حکم یاد شده آیاتی از قرآن کریم است:

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثُ مَا تَرَكَ^۳.

ضرورت فقهی چنین ایجاب می کند که حکم آیه ی یاد شده، برای دو دختر نیز جریان داشته باشد.

مقید شدن حکم یاد شده به اینکه میت فاقد اولاد ذکور باشد به این دلیل است که با وجود اولاد ذکور که هم رتبه ی دختران باشند^۴، محل جریان فریضه نیست بلکه تقسیم ترکه از راه قرابت است و آیه ی «لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» اجرا خواهد شد.

۱. النساء: ۱۲. ترجمه: اگر برای شما فرزندی باشد همسران یک هشتم از ترکه را می برد.

۲. رجوع کنید به مطلب شماره ی ۵ در درس گذشته.

۳. النساء: ۱۱. ترجمه: اگر اولاد شما مؤنث و بیش از دو تا باشند برای آنان دو ثلث از ترکه است.

۴. مراد از هم رتبه بودن این است که اولاد ذکور بلاواسطه باشند.

هر چند که نوادگان میت نیز اولاد وی محسوب می شوند، ولی با توجه به اینکه با وجود اولاد بلا فصل میت، نوادگان وی از ارث محروم هستند، وجود نوادگان مذکر میت تأثیری در سهم الارث دختران میت (که دو سوم از ترکه است) نخواهد داشت.

و اما آیه‌ای که بیانگر فریضه دو خواهر است «فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ»^۱ می‌باشد.

ضرورت فقهی چنین اقتضا می کند که حکم آیه یاد شده، در مورد بیش از دو خواهر نیز جریان داشته باشد. مراد از ضرورت فقهی، از طرفی فقدان حکم در رابطه با «بیش از دو خواهر» و «دو دختر» و از طرف دیگر، حکم نصف بودن فریضه «خواهر واحد» و «دختر واحد» است؛ بنابراین چون آیاتی از قرآن، حکم «دو خواهر» و «بیش از دو دختر» را مشخص می نماید و از طرف دیگر، حکم «خواهر واحد» و «دختر واحد» یکسان است، حکم «دو دختر» و «بیش از دو خواهر» نیز علی رغم عدم تصریح آیه، از طریق قرینه ی مقابله مشخص می شود که یکسان با حکم «دو خواهر» و «بیش از دو دختر» است.

مقید شدن حکم یاد شده به اینکه میت فاقد برادر ابی یا ابوینی باشد به این دلیل است که با وجود برادر ابی یا ابوینی، محل جریان فریضه نیست بلکه تقسیم ترکه از راه قرابت است و آیه ی «لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» اجرا خواهد شد.

وجود برادر امی تأثیری در حکم یاد شده ندارد؛ و مقید شدن خواهران در حکم یاد شده به ابی یا ابوینی بودن به این دلیل است که سهم کلالة امی در آیه دیگری مشخص شده است^۲ که آن، یک ششم ترکه در صورت واحد بودن و یک سوم ترکه در صورت متعدد بودن است.

تطبیق

۶- و اما ان الثمن لمن تقدم فلقوله تعالى: فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ^۳.

ثمن سهم یک طایفه است. به دلیل آیه شریفه که می فرماید: اگر برای شما فرزندی باشد همسران یک هشتم از ترکه را ارث می‌برد.

و قد اتضح الوجه في تعميم الولد للنازل مما تقدم. كما اتضح الوجه في اشتراك الزوجات في الثمن بالسوية مع التعدد از مطالبی که در درس گذشته و در رقم ۵ گفته شد دلیل تعمیم فرزندان، به فرزندان با واسطه روشن شد هم چنان که دلیل مشترک بودن به صورت مساوی زنان در یک هشتم در صورت تعدد نیز واضح گردید.

۷- و اما ان الثلثين لمن تقدم فلقوله تعالى: يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ^۴.

۱. النساء: ۱۷۶. ترجمه: اگر خواهران میت دو تا باشند برای آنان دو ثلث از ماترک میت است

۲. رجوع کنید به مطلب شماره ۳ در درس گذشته.

۳. النساء: ۱۲.

۴. النساء: ۱۱.

دلیل اینکه ثلثین سه م دو طایفه است (اول: بیش از دو دختر) به دلیل سخن خداوند متعال است که: خداوند به شما نسبت به اولادتان اینگونه سفارش می‌کند: برای اولاد ذکور بهره‌ای دو برابر اولاد مؤنث شما می‌باشد. اگر اولاد شما مؤنث و بیش از دو تا باشند برای آنان دو ثلث از ترک است.

و المراد اثنتان فما فوق بضرورة الفقه.

به ضرورت فقه مقصود دو تا و بیشتر است.

و لقوله تعالى: فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ^۱.

و به دلیل سخن خدای متعال که: اگر خواهران میت دو تا باشند برای آنان دو ثلث از ما ترک میت است.

و التقييد بعدم الابن باعتبار انه معه يكون الارث بالقربة للذكر مثل حظ الأنثيين

مقید کردن دختران به عدم پسر برای میت به سبب این است که با وجود پسر ارث از راه قرابت خواهد بود که مذکر دو برابر مؤنث سهم می‌برد.

و اما تقييد الابن بالمساوى فباعتبار ان غير المساوى - كابن الابن - لا اثر لوجوده.

و اما مقید کردن پسر به هم رتبه بودن به علت این است که اگر هم رتبه دختران نباشد ارث نمی‌برد مانند نوه میت که با وجود اولاد میت از ارث محروم هستند.

و اما تقييد الاختين بكونهما للأبوين أو للأب فقط و بعدم الاخ فقد اتضح وجهه من خلال ما تقدم فى الرقم ۳.

و اما دلیل مقید کردن خواهران به ابوینی یا ابی بودن و نبودن برادر هم رتبه با آنان از آنچه در رقم ۳ گفته شد روشن می‌شود (که سهم خواهر یا برادر امی واحد سدس و متعدد از کلاله امی ثلث است و با وجود برادر هم رتبه نیز ارث به قرابت است نه به فرض).

دلیل برخی از فریضه‌ها

ثمن بودن فریضه‌ی زوجه‌ی میت در صورتی که میت دارای فرزند - هر چند با واسطه - باشد: «فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ».

دو ثلث بودن فریضه‌ی دو دختر و بیشتر در صورتی که میت فاقد اولاد ذکور باشد آیه شریفه: «فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ» همراه ضرورت فقه.

دو ثلث بودن فریضه‌ی دو خواهر و بیشتر در صورت نبودن برادر ابی یا ابوینی آیه شریفه: «فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ» همراه ضرورت فقه.

۱. النساء: ۱۷۶.

۲. حیث اختص الحكم بكالالة الام.

دلیل فریضه ثلث و سدس

فریضه‌ی ثلث ترکه

دانستیم که فریضه‌ی برخی از بازماندگان میت، ثلث ماترک است؛ آیاتی از قرآن بر این حکم تصریح دارند:

فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبُوَاهُ فَلِلَّامَّةِ الثُّلُثُ^۱، وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ^۲

ترجمه: سهم مادر میت ثلث است در صورتی که برای میت فرزندی نباشد و وارث او پدر و مادرش باشند. و اگر مردی به عنوان کالاله (امی) ارث می‌برد یا زنی به همین عنوان و برای او برادر (امی) یا خواهر (امی) باشد برای هرکدام از آنان سدس خواهد بود و اگر بیش از دو نفر هستند در ثلث شریکند.

طبق تصریح آیات یاد شده، کالاله امی متعدد ثلث ماترک میت را به عنوان آن فریضه به ارث می‌برند؛ همچنین در صورتی که میت فاقد اولاد (هر چند با واسطه) باشد مادر میت در صورت فقدان حاجب^۳، یک سوم از ترکه را به عنوان فریضه به ارث خواهد برد.

هر چند که لفظ «کالاله»، شامل «کالاله ابی» و «کالاله ابوینی» نیز می‌شود اما قرینه حاکی از این است که مراد از آن در آیه مزبور، صرفاً «کالاله امی» است.

از آیه یاد شده و اطلاق آن چنین برداشت می‌شود که کالاله امی متعدد (که یک سوم از ماترک را به عنوان فریضه به ارث می‌برند) سهم یاد شده را میان خود به صورت تساوی تقسیم می‌کنند و سهم برادران، تفاضلی نسبت به سهم خواهران میت ندارد.

لفظ «کان» در آیه «وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً...» را می‌توانیم به دو صورت «تامه» و «ناقصه» در نظر بگیریم.

اگر «کان» را تامه محسوب کنیم، لفظ نکره‌ی «رجل» فاعل «کان» و «یورث» صفت برای «رجل» و «کالاله» حال است و اگر «کان» را ناقصه محسوب کنیم، لفظ «رجل» اسم کان و «کالاله» خبر آن است.

۱. النساء: ۱۱.

۲. النساء: ۱۲.

۳. مراد از حاجب در این آیه، حاجب نقصانی سهم مادر است و منظور برادران و خواهران میت هستند که سهم مادر را از یک سوم ترکه به یک ششم تقلیل می‌دهند. مبحث «حاجب» در آینده به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۹. فریضه‌ی سدس ترکه

آیاتی از قرآن که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود، تصریح به سهم آن دسته از وارثانی دارد که فریضه‌ی آنها سدس ترکه است:

وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ ... فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِلأُمِّهِ السُّدُسُ^۱، وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةً وَكَانَ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ^۲

آیات یاد شده به احکام ذیل تصریح دارند:

الف: اگر میت دارای اولاد باشد، پدر و مادر وی هر کدام یک ششم از ترکه را به عنوان فریضه به ارث خواهند برد.

ب: اگر میت فاقد فرزند باشد و چند برادر یا خواهر داشته باشد، مادر میت از بیش از سدس ترکه محروم می‌شود، مشروط بر اینکه:

اولاً: لااقل دو برادر یا یک برادر با دو خواهر یا چهار خواهر باشند.

ثانیاً: پسر آنها زنده باشد.

ثالثاً: برادران و خواهران میت از ارث ممنوع نباشند مگر به سبب قتل.

رابعاً: ابوینی یا ابی باشند.

با اینکه برادران و خواهران میت در فرض مزبور، به دلیل وجود وارثی از طبقه ی پیش از خود، از ارث محروم هستند اما حاجب مادر هستند و سهم مادر را از یک سوم به یک ششم تقلیل می‌دهند؛ تقلیل سهم مادر در فرض یاد شده، مصداقی از «حجب نقصانی» است.

ج: اگر میت از طبقه ی اول وارثی نداشته باشد و کلاله امی واحد نیز جزو وارثان او از طبقه ی دوم باشد، سدس (یک ششم) از ماترک را به عنوان فریضه به ارث خواهد برد.

اگر کلاله‌ی امی در فرض مزبور بیش از یک نفر باشند، دو سوم از ماترک میت را به عنوان فریضه به ارث خواهند برد؛ بنابراین اگر دو کلاله امی وارث میت باشند، هر یک سدس ماترک را به عنوان فریضه به ارث می‌برند و اگر بیش از دو نفر باشند، دو سوم از ماترک میان آنها به صورت مساوی تقسیم می‌شود و در این حکم، مذكر تفاضلی نسبت به مؤنث ندارد بلکه سهم خواهران امی برابر با سهم برادران امی است.

Sc0۲⇒۲۰:۰۷

۱. النساء: ۱۱.

۲. النساء: ۱۲.

تطبیق

۸- و اما ان الثلث لمن ذكر فلقوله تعالى: فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ^۱،

و اما اینکه ثلث سهم دو طایفه است به دلیل دو آیه است: در صورتی که برای میت فرزندی نباشد و وارث او پدر و مادرش باشند سهم مادر میت ثلث است.

وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ^۲.

و اگر مردی به عنوان کلاله ارث می برد یا زنی به همین عنوان و برای او برادر یا خواهری باشد برای هرکدام از آنان سدس خواهد بود و اگر بیش از دو نفر باشند در ثلث شریکند.^۳

۹- و اما ان السدس لمن تقدم فلقوله تعالى: وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ

و اما اینکه سدس سهم سه طایفه است به دلیل دو آیه است: اگر برای میت فرزندی باشد برای پدر و مادرش سدس است.

... فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ^۴،

در صورتی که میت فرزند نداشته باشد و وارث او پدر و مادرش باشند و برای میت برادرانی باشد سهم مادر او سدس خواهد بود.

وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً^۵ أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ^۶.

اگر مردی به عنوان کلاله^۷ امی ارث ببرد یا زنی با همین عنوان ارث بر باشد و برای او برادر یا خواهری باشد برای هرکدام از آنان سدس خواهد بود.

۱. النساء: ۱۱.

۲. النساء: ۱۲.

۳. از آیه استفاده می شود کلاله امی متعدد یعنی دو و بیشتر ثلث می برند و باید به طور مساوی بین آنان تقسیم شود.

۴. النساء: ۱۱.

۵. المراد من الكلاله في هذه الآية الكريمة و التي سبقتها في رقم ۳ الاخوة و الاخوات، غايته ان المراد منها في هذه الآية الاخوة و الاخوات من الام و في الآية الاخرى الاخوة و الاخوات من الابوين او الاب، كما دلت على ذلك صحيحة بكير بن اعين الواردة في الباب ۳ من ابواب ميراث الاخوة و الاجداد الحديث ۲. و الكلاله في الاصل مصدر بمعنى الاحاطة. و منه الاكليل لإحاطته بالرأس. و قد قال الراغب: «الكلاله اسم لما عدا الولد و الوالد من الورثة». و ظاهر كلامه بل صريحه انها اسم للوارث الذي لا يكون ولدا و لا والدا. و قد قيل: انها تطلق أيضا على الميت الذي ليس له والد و لا ولد. ثم ان كلمة «كان» في الآية الكريمة يحتمل كونها ناقصة و ان «رجل» اسمها و «يورث» و صف لرجل و «كلاله» خبرها، و يحتمل ان تكون - اي كان - تامة، و ان «رجل يورث» فاعلها، و كلاله مصدر وضع موضع الحال.

۶. النساء: ۱۲.

۷. مراد از کلاله در این آیه کریمه و در رقم ۳ خواهران و برادران میت می باشد. آری در این آیه مقصود خواهران و برادران امی او هستند همانطوری که در آیه گذشته مقصود کلاله ابی یا ابوینی بودند که صحیحه بکیر بن اعین در رقم ۳ نیز بر آن دلالت داشت. کلاله در اصل مصدر و به معنای احاطه است از آن جمله به اکلیل (تاج) کلاله گفته می شود زیرا بر سر احاطه دارد.

دلیل برخی دیگر از فریضه‌ها

ثلث بودن فریضه‌ی مادر میت در صورت فقدان اولاد برای میت - هرچند با واسطه - و نیز فریضه کلاله امی متعدد آیات: «فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ» و «فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ».

سدس بودن فریضه سه گروه: «وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ... فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ، وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورِثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَ لَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ».

Sco۳⇒۲۵:۲۱

راغب اصفهانی می نویسد: «کلاله اسمی است که بر غیر فرزندان از ورثه استعمال می شود». ظاهر کلامش بلکه صریح آن دلالت دارد بر این که کلاله اسمی است بر وارثی که فرزند یا والد نباشد. به میتی که والد و ولد نداشته باشد نیز کلاله گفته شده است.

«کان» در عبارت آیه شریفه دو ترکیب دارد:

الف) کان ناقصه که اسم آن، رجل و یورث صفت برای رجل نکره و کلاله خبر کان ناقصه باشد. معنای آیه بر این تقدیر: رجل ارث برنده کلاله باشد.

ب) کان تامه و فاعل آن، رجل و یورث صفت آن و کلاله مصدری باشد که به عنوان حال بکار رفته باشد. معنای آیه بر این تقدیر: رجلی ارث برنده باشد در حالی که کلاله است.

چکیده

۱. دلیل ثمن بودن سهم زوجه ی میت در صورتی که میت دارای فرزند - هر چند با واسطه - باشد آیه ی شریفه ی «فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكْتُمْ» می باشد.
۲. دلیل اینکه اگر بازماندگان میت، دو دختر باشند و میت فاقد اولاد ذکور باشد، دختران وی دو ثلث ترکه را به عنوان فریضه ارث می برند آیه شریفه «فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثُ مَا تَرَكَ» می باشد و به ضرورت فقه این حکم شامل بیش از دو دختر نیز می شود.
۳. آیه ای که بیانگر فریضه دو خواهر است «فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ» می باشد و ضرورت فقهی چنین اقتضا می کند که حکم آیه یاد شده، در مورد بیش از دو خواهر نیز جریان داشته باشد.
۴. دلیل اینکه سهم مادر میت در صورت فقدان اولاد برای میت - هر چند با واسطه - و نیز کلاله امی متعدد ثلث ترکه میت است آیات «فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ» و «فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ» می باشد.
۵. دلیل اینکه فریضه سه گروه سدس می باشد فرازهایی از آیات ۱۱ و ۱۲ سوره نساء می باشد: «وَلِلأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ ... فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ ، وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةً وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ».